

Analysis of the Special Guidance of the Imam Based on the Verse of Trial. Baqara 2:124) from the Perspective of Ayatollah Javadi Amoli¹

Behnoosh Mohtadi Bonab²

Seyed Ziaoddin Olya Nasab³

Marzieh Eskandarjuy⁴

(Received on: 2024-06-04; Accepted on: 2024-12-03)

Abstract

The doctrine of imamate has been a fundamental and contentious issue among theologians, representing a unique position granted to Prophet Abraham. The essence of imamate, as the criterion for its realization in the external world, serves as the foundation for other related discussions, with many disputes stemming from differing interpretations of this concept. However, Ayatollah Javadi Amoli identifies reward-based existential guidance as the very essence of imamate. This study, employing a descriptive-analytical approach and drawing upon library sources, aims to analyze the special guidance of the Imam based on verse 2:124 of Surah al-Baqara from the perspective of Ayatollah Javadi Amoli. The findings indicate that Ayatollah Javadi Amoli interprets this verse using the method of interpreting the Quran through the Quran by referring to verses 21:72 of Surah al-Anbiyā' and 32:24 of Surah al-Sajda. He defines the essence of imamate as guidance accompanied by divine command. *amr*). Thus, this guidance is not merely legislative. *tashrīʿī*), limited to showing the path or teaching religious knowledge; rather, the Imam, through his knowledge of the *malakūt*. inner reality)

1. This article is derived from Behnoosh Mohtadi Bonab, "An analysis of the theory of the Imam's existential guidance with a focus on Ayatollah Javadi Amoli's Quranic works," level-4 diss., Masoumieh Higher Education Institute, 2024.

2. Level-4 seminary student, Masoumieh Higher Education Institute, Qom, Iran. Email: khadameezahra@chmail.ir

3. Associate Professor, Department of Quran and Hadith, Hazrat Masoumeh University. corresponding author). Email: z.olyanasab@hmu.ac.ir

4. Lecturer, Masoumieh Higher Education Institute, Qom, Iran. Email: eskandarmarzieh@gmail.com

and the unseen dimension of existence, leads each person to their ultimate perfection according to their capacity. This function, described as “bringing to the desired destination” or reward-based existential guidance, distinguishes the Imam’s role. From methodological, strategic, and substantive perspectives, Ayatollah Javadi Amoli’s interpretation surpasses competing theories in its depth and comprehensiveness.

Keywords: Imamate, verse 124 of Surah al-Baqara, nature of imamate, reward-based existential guidance, Javadi Amoli.

تحلیل هدایت ویژه امام بر اساس آیه ابتلاء (بقره: ۱۲۴) از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی^۱

به‌نوش مهدی بناب^۲

سیدضیاءالدین علیانسنب^۳

مرضیه اسکندرجوی^۴

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۳]

چکیده

آموزه امامت از مباحث بنیادین و چالشی میان متکلمان بوده و مقام خاصی است که بر حضرت ابراهیم (علیه السلام) اعطا شده است. حقیقت امامت به معنای ملاک تحقق امامت در عالم واقع برای دارنده آن، مبنای مباحث دیگر بوده و ریشه بسیاری از اختلاف‌ها به برداشت‌های مختلف از آن برمی‌گردد؛ لکن آیت‌الله جوادی آملی هدایت تکوینی پاداشی را همان حقیقت امامت می‌داند. این نوشتار با هدف تحلیل هدایت ویژه امام بر اساس آیه ۱۲۴ سوره بقره از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی به روش توصیفی-تحلیلی و رجوع به منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته و به این نتیجه رسیده که آیت‌الله جوادی آملی آیه ۱۲۴ سوره بقره را با روش تفسیر قرآن به قرآن و رجوع به آیات ۷۲ سوره انبیاء و ۲۴ سوره سجده تفسیر کرده و حقیقت امامت را هدایت به همراهی و ملابست امر الهی معرفی می‌کند. بنابراین این هدایت تنها هدایت تشریعی یا ارائه طریق و آموزش معارف دینی نیست؛ بلکه امام با دانستن ملکوت و باطن عالم، هر کس را طبق استعداد خودش به کمال مطلوب می‌رساند که «ایصال به مطلوب» یا «هدایت تکوینی پاداشی» است. دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی در این باب از حیث روشی، راهبردی و محتوایی بر دیگر نظریه‌های رقیب برتری دارد.

کلیدواژه: امامت، آیه ۱۲۴ سوره بقره، حقیقت امامت، هدایت تکوینی پاداشی، جوادی آملی

۱. این مقاله برگرفته از: رساله سطح چهار تفسیر تطبیقی از به‌نوش مهدی بناب، «تحلیل نظریه هدایت تکوینی امام با محوریت آثار قرآنی آیت‌الله جوادی آملی»، استاد راهنما: سیدضیاءالدین علیانسنب، مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه، قم، ایران، ۱۴۰۳، است.

۲. طلبه سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی، مؤسسه آموزش عالی معصومیه، قم khademeezahra@chmail.ir

۳. دانشیار گروه قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه (س) (نویسنده مسئول) z.olyanasab@hmu.ac.ir

۴. مدرس مؤسسه آموزش عالی معصومیه، قم eskandarmarzieh@gmail.com

۱. مقدمه

کسی که حامل درجات قرب و امیر قافله اهل ولایت است و رابطه انسانیت را با این واقعیت حفظ می‌کند، در لسان قرآن، «امام» نامیده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۷: ص ۱۶۸). امامت منصبی الهی و از مباحث بنیادین معرفتی و عملی است. خداوند متعال حضرت ابراهیم علیه السلام را در آیه ۱۲۴ سوره بقره به عنوان امام معرفی می‌کند که پس از طی امتحان‌های الهی به این مقام منصوب شد. غالب مفسران، مباحث امامت را بیشتر ضمن همین آیه مطرح می‌کنند.

کشف حقیقت امامت (به معنای ماهیتی که امامت بر آن استوار است و با وجود آن، شخص به این مقام الهی منصوب می‌شود) به این لحاظ حائز اهمیت است که برای تصدیق یک مطلب، ابتدا باید تصویری درست از آن موضوع داشت؛ چراکه اقامه دلیل در مقام نفی و اثبات، مسبوق بر تحریر محل نزاع است؛ پس در مسئله امامت نیز تا حقیقت آن تبیین نشود، احکام، شرایط، شئون و جایگاه و... را نمی‌توان به درستی تبیین کرد. این در حالی است که طبق نظر برخی از اندیشمندان، اساس اختلاف‌های شیعه و سنی در مسائل امامت، به تباین تصور از حقیقت امامت برمی‌گردد (لاهیجی، ۱۳۸۳: ص ۲۸۹؛ مطهری، ۱۳۷۲: ج ۴، ص ۷۱۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۱۹۸-۲۰۴؛ یزدی مطلق و دیگران، ۱۳۸۱: ص ۵۳) تا جایی که برخی آن را بزرگترین اختلاف امت اسلامی دانسته‌اند که بسیاری از جنگ‌ها بر سر آن رخ داده (شهرستانی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۳۱) و باعث ایجاد دسته‌بندی فرقه‌ای و مذهبی بین مسلمانان شده است. از این‌رو بررسی حقیقت امامت امری بسیار مهم و سرنوشت‌ساز در زمینه مسائل اعتقادی و عملی است.

آیت الله جوادی آملی به عنوان مفسر و اندیشمند معاصر در تفسیر آیه ۱۲۴ سوره بقره و حقیقت امامت، هدایت تکوینی پاداشی را همان حقیقت امامت می‌داند. نوشتار حاضر درصدد است با هدف تحلیل این نظریه به این پرسش پاسخ دهد که هدایت ویژه امام بر اساس آیه ۱۲۴ سوره بقره از دیدگاه آیت الله جوادی آملی چه تحلیلی دارد.

۲. پیشینه

الف) از جمله آثار پژوهشی که به این مسئله پرداخته است؛ مقاله «تحلیل مفهوم امامت در آیه «ابتلی» از دیدگاه علامه طباطبایی» اثر شعبانعلی خان صنمی و فاطمه خان صنمی است که نویسندگان به تحلیل واژه امامت پرداخته و به اشکال‌های وارد شده توسط آیت الله سبحانی پاسخ داده است.

ب) مقاله «آیه ۱۲۴ بقره و حقیقت امامت از دیدگاه مفسران شیعه» اثر خدیجه حسین‌زاده باردئی و دیگران به بررسی آرای مفسران شیعی و قرآن‌پژوهان معاصر غیر از علامه طباطبایی در مسئله حقیقت امامت می‌پردازد.

ج) مقاله «بررسی و نقد دیدگاه سید محمد حسین فضل‌الله در معنای امامت ذیل آیه ابتلاء» اثر سید ضیاء الدین علی‌انسب و زهرا قائمی امیری به نقد دیدگاه فضل‌الله در معنای امامت پرداخته است. د) اصغر غلامی در مقاله «مفهوم امامت در پرتو آیه ابتلا» حضرت ابراهیم (علیه السلام) و همچنین فتح‌الله نجارزادگان در مقاله «بررسی معناشناسی واژه امام در آیه امامت حضرت ابراهیم (علیه السلام)» به بررسی مفهوم امامت در آیه ۱۲۴ بقره می‌پردازند.

هـ) محمد اسعدی در مقاله «هدایت به امر در نظریه قرآنی امامت؛ تحلیل و بررسی دیدگاه علامه طباطبایی»، و همچنین محمد صدقی الانق در مقاله «حقیقت امامت و فلسفه حضور ابدی معصوم (علیه السلام) از منظر قرآن با تأکید بر آرای علامه طباطبایی» و علی کربلانی پازوکی در مقاله «هدایت باطنی و معنوی امام و مسئله امامت در اندیشه علامه طباطبایی و تفسیر المیزان»، حقیقت امامت به عبارت دیگر هدایت به امر را بر اساس آرای علامه طباطبایی تحلیل و بررسی می‌کند.

بنابراین هیچ‌کدام از آثار پژوهشی به بررسی هدایت امام و آیه ۱۲۴ سوره بقره از دیدگاه آیت الله جوادی آملی نپرداختند که نوشتار حاضر، این مسئله را بررسی و تحلیل می‌کند.

در این راستا اثر حاضر ابتدا دیدگاه‌های مختلف در مورد حقیقت امامت را بیان می‌کند، سپس حقیقت امامت از دیدگاه آیت الله جوادی آملی را با تحلیل مفهوم «هدایت» و «امر» مطرح می‌کند، سپس خصوصیات هدایت ویژه امام را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد و در پایان وجه برتری این نظریه تبیین و تحلیل می‌شود.

۳. حقیقت امامت

امامت منصبی الهی و خدادادی است که تمام شئون والا و فضایل نبوت و آنچه را که لازمه آن است، در بر دارد (شوشتری، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۳۰۰). امامت در علم تفسیر، مقامی خاص برای برگزیدگان الهی همچون حضرت ابراهیم علیه السلام است که ابتلاها و آزمایش‌های الهی متعددی داشته است که برخی آنها را تا ۱۹ مورد شمرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۳۷۹). ابراهیم علیه السلام پس از موفقیت در امتحان‌های الهی، به مقام امامت نائل شد. خداوند متعال اعطای مقام امامت به ایشان را در آیه ۱۲۴ سوره بقره چنین متذکر می‌شود و می‌فرماید: «وَإِذْ أَنْبَأْنَا إِبْرَاهِيمَ رُبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَاتَمَمْنَهُ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»؛ از این رو اکثر مفسران امامت را ذیل همین آیه تبیین کرده‌اند.

ملاک و ماهیتی که امامت بر آن استوار است و با وجود آن، شخص به مقام امامت منصوب می‌شود، حقیقت امامت نام دارد (سبحانی، ۱۴۲۱: ج ۵، ص ۳۶۴؛ همو، ۱۳۹۰: ص ۳۰۰-۳۰۲)؛ به عبارت دیگر این ملاک و حقیقت همان چیزی است که با صرف نظر از شئون دیگر امام، اگر در کسی وجود داشته باشد، برای او نیز امامت در عالم واقع محقق است.

۳-۱. دیدگاه‌های مختلف در حقیقت امامت

احتمالات متعددی در مورد حقیقت و معنای امامت حضرت ابراهیم علیه السلام مطرح شده است که در اینجا دیدگاه‌های دانشمندان به ترتیب تاریخی بیان می‌شود. در ضمن به جهت رعایت

اختصار در هر قول به معرفی اولین قائل آن اکتفا می شود. قابل ذکر است دو قول اول مختص اهل سنت و بقیه اقوال برای شیعه است.

۱- قدیمی ترین احتمال در معنی امامت حضرت ابراهیم علیه السلام الگو و نمونه در کارهای خیر است. این دیدگاه به ابن عباس منتسب است. فراء و طبری نیز جزء اولین مفسران هستند که این قول را نقل کردند (فراء، ۱۹۸۰؛ ج ۱، ص ۷۶؛ طبری، ۱۴۱۲؛ ج ۱، ص ۴۱۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴؛ ج ۲، ص ۱۰۷).

۲- «سدی» تابعی (ابن جریر، ۱۴۱۷؛ ج ۱، ص ۵۲۰) و جصاص از مفسران کهن، معانی امام در آیه ۱۲۴ بقره را نبوت مطرح می کنند (جصاص، ۱۴۰۵؛ ج ۱، ص ۸۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰؛ ج ۴، ص ۳۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵؛ ج ۱، ص ۳۷۵).

۳- «پیشوا بر همگان حتی پیامبران» یکی دیگر از دیدگاه ها در تفسیر معنای امامت است که اولین بار فیضی دکنی بیان کرده است (فیضی، ۱۴۱۷؛ ج ۱، ص ۱۴۰؛ قشیری، ۲۰۰۰؛ ج ۱، ص ۱۲۱؛ کاشانی، ۱۴۲۳؛ ج ۱، ص ۲۲۶).

۴- مشهورترین معانی در بین متکلمان و مفسران شیعه در در معنای امامت ابراهیمی، «ریاست عامه دین و دنیا» و زعامت سیاسی-اجتماعی است. پیشینه این نظریه به شیخ طوسی می رسد (شیخ طوسی، بی تا؛ ج ۱، ص ۴۴۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲؛ ج ۱، ص ۳۸۰).

۵- گنابادی در قولی منحصر به فرد، امامت را ولایت تکوینی مطلق و تفویض کلی به ائمه دانسته است که از دیدگاه وی هیچ برگی از درخت نمی افتد، مگر به اذن امام (گنابادی، ۱۴۰۸؛ ج ۱، ص ۱۴۳).

۶- «هدایت باطنی و ملکوتی و هدایت به معنای ایصال به مطلوب» از برجسته ترین معانی امامت است که از علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی است (طباطبایی، ۱۳۹۰؛ ج ۱، ص ۲۷۲؛ همان؛ ج ۱۴، ص ۳۰۴؛ جوادی، ۱۳۹۹؛ ج ۶، ص ۴۶۱ و ۴۶۷).

۷- برخی نویسندگان، «ملک عظیم» را حقیقت امامت دانسته اند که بیانگر وجوب اطاعت مطلق است؛ چون چنین اطاعتی برای صاحبان منصب یاد شده در سایه تشکیل حکومت الهی حاصل می شود، پس صاحب این منصب ریاستی مطلق بر جمیع شئون دینی و دنیوی مردم خواهد

داشت (فاریاب، ۱۳۹۱: ص ۱۰۹)؛ البته چون خود ابراهیم علیه السلام و برخی ذریه ایشان به این منصب در عالم خارج نرسیده‌اند، پس مقصود شأنیت این منصب است، نه بالفعل (همان: ص ۱۰۵).

۸- برخی همچون آیت الله سبحانی و آقای نجارزادگان امامت ابراهیمی را به معنی وجوب اطاعت مستقل و تفویض امور دین به ابراهیم علیه السلام و ائمه بعد از ایشان دانسته‌اند (سبحانی، ۱۴۲۱: ج ۵، ص ۴۰۵؛ نجارزادگان، ۱۳۹۱: ص ۱۵۳؛ همو، ۱۳۹۰: ص ۸).

نقد و بررسی اقوال ذکر شده نیاز به بحث مفصلی دارد که به مجالی دیگر واگذار می‌شود.

۲-۳. حقیقت امامت از دیدگاه آیت الله جوادی آملی

مقام امامت در اواخر سن حضرت ابراهیم علیه السلام عطا شده است؛ زمانی که ایشان مقام نبوت را داشت (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۲۷۱؛ سبحانی، ۱۴۲۱: ج ۵، ص ۳۶۷؛ جوادی آملی، ۱۳۹۹: ج ۶، ص ۴۴۱ و ۴۶۵-۴۶۶). با توجه به ادامه آیه ۱۲۴ سوره بقره، حضرت ابراهیم علیه السلام درخواست می‌کند این مقام به ذریه ایشان نیز عطا شود که خداوند متعال می‌فرماید: «عهد من به ظالمان نمی‌رسد». همچنین در جای دیگر در اجابت دعای حضرت ابراهیم علیه السلام (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ج ۶، ص ۴۶۲) در آیه ۷۳ سوره انبیاء می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» و در آیه ۲۴ سوره سجده چنین می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا».

این آیات را می‌توان تفسیر آیه ۱۲۴ سوره بقره دانست که از عبارت «يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (انبیاء: ۷۳؛ سجده: ۲۴) برای تفسیر امامت استفاده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۲۷۲؛ همان: ج ۱۴، ص ۳۰۴). عبارت «أئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» همانند «رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ» (نسا: ۱۶۵) جنبه تعریف دارد؛ یعنی همان طور که عبارت بشارت دهنده و بیم دهنده، تعریف رسولان است، عبارت «يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» نیز تعریف ائمه است، پس این عبارت تنها وصف ائمه نیست؛ بلکه چیزی همانند تعریف برای ائمه است (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ج ۶، ص ۴۶۶).

از همین نکته می توان استفاده کرد که «يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» همان حقیقت امامت است و «هدایت» به منزله جنس و «بأمرنا» فصل امامت محسوب می شود؛ پس امام به معنی قرآنی، کسی است که هادی به امر الهی است.

۴. تحلیل مفهوم «هدایت به امر الهی»

با توجه به اینکه حقیقت امامت از دیدگاه آیت الله جوادی، «هدایت به امر الهی» است؛ بنابراین برای اینکه مقصود این عبارت کامل مشخص شود مفهوم «هدایت» و «امر» تحلیل و بررسی می شود.

۴-۱. مفهوم «هدایت»

برای درک صحیح مفهوم هدایت ویژه امام، ابتدا انواع هدایت بررسی و سپس با ادله و شواهد نوع هدایت خاص امام مشخص می شود.

۴-۱-۱. انواع هدایت

خداوند سبحان دو نوع هدایت دارد، یک نوع هدایت ابتدایی و عام است و نوع دیگر هدایت پاداشی و خاص نامیده می شود.

۴-۱-۱-۱. هدایت ابتدایی

هدایت ابتدایی و عام از اوصاف کمالی حق است که با تعبیرهایی مانند «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان: ۳) و «هُدًى لِلنَّاسِ» (بقره: ۱۸۵) از آن یاد شده که خود دو گونه است:

۱. هدایت ابتدایی تکوینی که به معنای اعطای همه ابزار کمال و رساندن به هدف است و شامل همه موجودات می شود؛ چون خداوند همه را از راه فطرت، غریزه یا میل، به کمال های شایسته

آنها راهنمایی کرده است؛ مانند آنچه که در آیه ۵۰ سوره طه می‌فرماید: «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۱۶، ص ۴۷).

۲. هدایت ابتدایی تشریعی که به معنای راهنمایی و بیان قانون حلال و حرام خداوند به همگان که در منابع دین (کتاب، سنت و عقل) آمده است (همان) و به آن «ارائه الطريق» و نشان دادن راه گفته می‌شود (همان: ص ۴۹).

۲-۱-۱-۴. هدایت پاداشی

نوع دیگری از هدایت برای مکلفان وجود دارد که به معنای «ایصال به مطلوب» و «تسدید و تأیید» آنها است و نصیب کسانی می‌شود که با حُسن اختیار خود، هدایت ابتدایی تشریعی خداوند و حق را بپذیرند و به آن عمل کنند و در نتیجه خداوند متعال به ایشان توفیقی می‌دهد تا بقیه راه را به آسانی بپیمایند (همان: ص ۴۸). این همان «هدایت تکوینی پاداشی» (جوادی، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۴۶۶-۴۶۸؛ همو، ۱۴۰۱: ج ۱، ص ۳۳۳-۳۳۵) به معنای «با سلامت به مقصد رساندن» و ویژه مؤمنان است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۱۶، ص ۵۱). منظور از هدایت ایصالی، ایجاد گرایش خاص و رفع مانع و دستگیری و رساندن به مقصد است؛ یعنی مؤمنانی که بر اثر راهنمایی انبیاء بخشی از راه را پیمودند خداوند به آنان توفیق می‌دهد راه را به آسانی بپیمایند (همو، ۱۳۹۹: ج ۱۰، ص ۴۲۶؛ همان: ج ۱۹، ص ۴۲۶).

۲-۱-۴. هدایت ویژه امام

خداوند متعال در اجابت دعای حضرت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ...» (انبیاء: ۷۳؛ سجده: ۲۴)، پس هدایت یکی از ویژگی‌های ائمه حق و عدل است. البته هدایت در امامت به معنای «ایصال به مطلوب» است، نه «ارائه طریق»؛ زیرا هدایت به معنای ارائه طریق، مشترک بین همه پیامبران و

حتی شاگردان آنان است؛ چنان که قرآن در مورد هدایت مؤمن آل فرعون به عنوان عالمی روحانی و متعهد فرمود: «وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ» (غافر: ۳۸) و در مورد هدایت و راهنمایی عالمان چنین می فرماید: «وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۴). بنابراین هدایت به معنای راهنمایی و ارائه طریق ویژه ائمه نیست (جوادی، ۱۳۹۹: ج ۶، ص ۴۶۲) و هدایت موجود در آیه ۷۳ انبیاء، هدایت ایصال به مطلوب (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۲۷۲؛ جوادی آملی، ۱۳۹۹: ج ۶، ص ۴۶۲) یا همان هدایت تکوینی پاداشی است (همان: ج ۱، ص ۴۷۲؛ همان: ج ۲، ص ۱۴۴؛ همان: ج ۳۱، ص ۲۱۳؛ همو، ۱۳۸۹: ج ۱۶، ص ۵۱). مراد از آن، فراخی سینه (همو، ۱۳۹۹: ج ۱، ص ۴۷۵-۴۷۷؛ همو، ۱۳۸۹: ج ۱۶، ص ۵۳) و تسدید و تأیید الهی تخلف ناپذیر است (همان: ص ۵۸).

پیامبر، واسطه رساندن فیض های ظاهری، احکام دینی و امام واسطه رساندن فیض های باطنی از سوی خداوند به انسان است و این حقیقت والای امامت است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۴، ص ۳۰۴) که خداوند متعال در دوران پیری بعد از منصب نبوت و رسالت برای حضرت ابراهیم علیه السلام جعل کرد؛ پس معنایی برتر از نبوت، رسالت، ریاست یا معانی دیگر برای امامت است (جوادی، ۱۳۹۹: ج ۶، ص ۴۶۵ و ۴۶۱).

هدایت باطنی امام علاوه بر حوزه فردی، هدایت های خاص اجتماعی را نیز شامل می شود که یکی از مصادیق بارز آن اقامه حکومت عادلانه توحیدی و بسترسازی برای رشد، تکامل و توفیقات جامعه دینی در پرتو امامت است (اسعدی، ۱۴۰۰: ص ۳۵).

۴-۲. مفهوم «امر الهی»

خداوند در بیان ویژگی ائمه از عبارت «يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (انبیاء: ۷۳؛ سجده: ۲۴) استفاده کرده است. با توجه به معنای حرف «باء» هدایتی مقصود است که با همراهی و ملابست (جوادی،

۱۳۹۹: ج ۶، ص ۴۶۲) یا به وسیله و سببیت امر الهی است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۴، ص ۳۰۴؛ همان: ج ۱، ص ۲۷۲). البته «باء» به هر معنی که گرفته شود امکان توجیه این دیدگاه وجود دارد (نजारزادگان، ۱۳۹۱: ص ۱۴۸).

«امر الله» که امام به وسیله آن مردم را هدایت می کند، به ملکوت تعبیر می شود که در آیه ۸۲ و ۸۳ سوره یس چنین بیان شده است: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ * فَسُبْحَانَ الَّذِي يَبْدِئُ مَلَكُوتَ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ». تمام اشیا دو وجه دارند، ملکوت و خلق. در ملکوت اشیا سخنی از زمان و مکان نیست؛ تغییر و تبدل در آن صورت نمی گیرد و همان وجود عینی اشیا است. در مقابل، خلق قرار دارد که در آن تغییر و تدریج و انطباق بر قوانین حرکت و زمان وجود دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۲۷۲؛ جوادی آملی، ۱۳۹۹: ج ۵۶، ص ۶۵۶-۶۵۸). با توجه به عبارت «كُنْ فَيَكُونُ» امر خدا همان «كُنْ» است. کار خدای سبحان این است که به آنچه وجود می دهد و انجام آن را اراده کرده است بگوید: «باش» و او به هر چیزی که گفت «باش» به محض اراده الهی «می شود». (همان: ج ۶، ص ۲۶۴؛ همان: ج ۵۶، ص ۶۵۷).

این تعبیر در زیارت جامعه کبیره با عبارت «أَمْرُهُ إِلَيْكُمْ» و «وَأَسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۶۱۶) بیان شده است که مقصود از امر مقابل نهی نیست که جمعش اوامر باشد؛ بلکه به معنی جمعی از امور دنیوی و اخروی است که در اختیار امام قرار می گیرد و همان امر تکوینی و ملکوتی است (جوادی، ۱۴۰۱: ج ۶، ص ۴۶۶؛ همان: ج ۱۲، ص ۶۰۶).

بنابراین هر چیزی قلب و ملکوتی دارد که از آن با عنوان «امر الله» یاد می شود و ائمه که مظهر مقلب القلوب هستند و طبق آیه «وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونُ مِنَ الْمُتَوَقِّينَ» (انعام: ۷۵) عالم ملکوت نزد ایشان منکشف است؛ پس امام با دانستن باطن و ملکوت عالم (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۲۷۳)، علاوه بر هدایت ظاهری نوعی هدایت باطنی دارد (همو، ۱۳۷۸: ص ۱۹۲-۱۹۴ و ۲۴۹) که هر چیز را بر اساس ملکوت و با تصرف در قلب آن (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ج ۶، ص ۴۶۴) طبق استعداد خودش به کمال مطلوب می رساند (همان: ج ۱۴،

ص ۳۰۴). بنابراین امام کسی است که هدایت ذاتی دارد و واسطه رسیدن فیض الهی به نفوس مردم است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۴، ص ۳۰۴) و امامت نوعی تصرف ولایی و تکوینی و رساندن دل‌های مستعد به اندازه قابلیت‌های آنها به خدا است. این قابلیت و پیمودن مسیر عبودیت، قرب و کمال انسانی از طریق به‌کار بستن دستورهای اسلامی در زندگی برای انسان حاصل می‌شود (خان‌صنمی، ۱۳۹۳: ص ۱۰۶).

با توجه به آنچه گفته شد، امام هدایت‌کننده‌ای باطنی است و بر اعمال مردم ولایت دارد و هدایت او چون انبیا و رسولان فقط راهنمایی از طریق موعظه حسنه و صرف نشانی دادن راه نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۲۷۲؛ همان: ج ۱۴، ص ۳۰۴؛ پازوکی، ۱۳۹۳: ص ۷۷-۹۲). پیامبرانی که امام هستند علاوه بر تبلیغ تشریعی و تدریجی، نوعی از هدایت تکوینیِ دفعی را نیز دارند که قلوب مردم را با آن هدایت می‌کنند و به مطلوب حقیقی می‌رسانند (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ج ۶، ص ۶۵۷) و به اصطلاح ایصال به مطلوب می‌کنند (همو، ۱۴۰۱: ج ۱، ص ۳۳۴). لزوم هدایت ایصال به مطلوب از این جهت است که اگر راهنما ایصال به مطلوب نکند و همسفر سالک در طی سفر هدایت نباشد، فقط راه را نشان داده است و در این صورت سالک به مقصود نخواهد رسید یا وصولش با دشواری و اضطراب همراه خواهد بود.

۵. خصوصیات هدایت ویژه امام

۵-۱. هدایت ایصالی امامت، تبیین نحوه هدایت‌گری خدا

نظریه هدایت تکوینی امام، تحلیلی از نحوه هدایت‌گری خداوند است؛ با این توضیح که خداوند متعال همیشه بندگان را به راه راست هدایت می‌کند تا به سرمنزل مقصود برسند و در غیر این صورت، حجت بر بندگان تمام نمی‌شود، به این جهت فرمود: «رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» (نساء: ۱۶۵). حکمت خداوندی اقتضا می‌کند، علاوه بر نشان دادن راه یعنی هدایت تشریعی که در آیات به آن اشاره شده است «إِنَّا

هَدْيَنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان: ۳)، بندگان شایسته را به مطلوب نیز برساند. پس هر دو نوع از هدایت تکوینی و تشریعی مختص به خداوند متعال است (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ج ۳۶، ص ۴۸۰؛ همو، ۱۴۰۱: ج ۳، ص ۱۹۵)؛ اما می‌تواند هر کدام را بخواهد در اختیار بندگان خویش قرار دهد؛ همان‌طور که هدایت ظاهری و تشریعی به وسیله پیامبران و کتب الهی انجام می‌گیرد، هدایت تکوینی امام نیز به وسیله هدایت‌گری ویژه و خاص امام انجام می‌پذیرد (همو، ۱۳۹۹: ج ۳۶، ص ۴۸۰؛ همان: ج ۴۳، ص ۲۰۵). به عبارت دیگر چون ذات اقدس الهی، اهل بیت علیهم‌السلام را به نحو خاصی هدایت کرده پس این نوع هدایت تنها هدایت ابتدایی و ارائه طریق نیست؛ بلکه هدایت ویژه و ایصال به مطلوب کامل است (همو، ۱۴۰۱: ج ۴، ص ۶۱). از طرفی خود ائمه، مردم را با همین روش هدایت می‌کنند (همان: ج ۵، ص ۴۶۵). به هر صورت، چون امام مظهر و آیت خدای سبحان است، هم ارائه و هم ایصال را دارد؛ هر چند این کمال اصالتاً متعلق به خدای سبحان است؛ ولی بینشان تفاوت به آیه و ذی آیه بودن است (همان: ج ۳، ص ۱۹۵).

بنابر آنچه گذشت آیات امامت، تبیین‌کننده نحوه هدایت‌گری خداوند متعال است و نحوه هدایت امام همراه با داشتن ولایت در ایصال به اذن خداوند متعال است. مؤید این دیدگاه روایت‌های متعددی است که نقش امام را راهبری معنوی جامعه و انسان معرفی می‌کند و نقش امام را هدایت‌گری با ولایت می‌داند؛ همان‌طور که در قسمتی از روایت مشهور امام علی علیه‌السلام در مورد معرفت امام با نورانیت خاصش می‌فرماید: «إِنَّهُ لَيْسَ مِنَّا إِمَامٌ إِلَّا وَهُوَ عَارِفٌ بِجَمِيعِ وَلَائِهِ وَأَنَا الْهَادِي بِالْوَلَايَةِ...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۶، ص ۱۵۳ به نقل از المحتضر، ص ۹۸؛ برسی، ۱۴۲۲: ص ۲۲۰ و با کمی تغییر در تعبیر هلالی، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۷۱۷؛ نیلی، ۱۴۲۶: ص ۵۰). به نظر می‌رسد مقصود از هدایت در این روایت، هدایت خاصی است که با ولایت و تصرف باطنی امام همراه است؛ چراکه تعبیر به «عَارِفٌ بِجَمِيعِ وَلَائِهِ» به غیر از طریق شناخت باطنی، ممکن نیست؛ پس در این‌گونه روایات نحوه هدایت‌گری امام که جلوه هدایت خداوند است، تبیین شده است.

۵-۲. رابطه هدایت تکوینی با ولایت تکوینی

بین عالمان شیعه در محدوده ولایت به لحاظ اعمال ولایت تکوینی و تصرف در عالم، اختلاف نظر وجود دارد. برخی محدوده ولایت را عام یعنی برای همه عالم می دانند (اصفهانی، ۱۴۱۸: ج ۲، ص ۳۷۹؛ خمینی، بی تا: ص ۵۲؛ مطهری ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۲۸۷)؛ یعنی نمی توان برای ولایت ائمه حد و مرزی تعیین کرد. برخی از مخالفان این نظریه معتقدند که چون در این نظریه ولایت تکوینی و تصرف با اذن خداوند است، نه به طور استقلالی از این رو شائبه شرک در آن نیست (طباطبایی، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۲۵۴) و تنها دلیل رد آن نبود دلیل معتبر است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ج ۱، ص ۲۹). به این جهت برخی ولایت ولی الهی را محدود به موارد خاص می دانند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵: ص ۲۷۸-۲۸۱؛ مفید، ۱۴۱۳: ج ۴، ص ۶۸؛ فرمانیان، ۱۳۹۵: ص ۱۱۳).

با توجه به روایات، عمومیت ولایت ائمه اعم از تشریعی و تکوینی قابل اثبات است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۰۸؛ همان: ج ۱، ص ۱۹۲)؛ زیرا عباراتی مانند «أَمْرُهُ إِلَيْكُمْ» در زیارت جامعه کبیره مطلق امر اعم از تکوینی و تشریعی را واگذار شده به ائمه می داند. بنابراین ائمه، اختیارداران نظام تکوین و تشریع هستند (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ج ۶، ص ۴۶۶)؛ البته مشخص است که این ولایت ائمه تنها در طول اراده خداوند است و به تعبیری ولایت ائمه مظهر برای ولایت خداوند است (همان: ج ۷، ص ۶۳ و ۵۳ و ۳۸). ائمه در این دیدگاه، علاوه بر ولایت ظاهری و پیشوایی سیاسی، ولایت باطنی، هدایت عالم و تصرف در عالم به اذن خداوند را نیز دارند. امام از این نوع ولایت خود برای هدایت انسان ها استفاده می کند. این نوع ولایت عام در برگرفته همان ولایت باطنی است که دلالت بر هدایت باطنی از حقیقت امامت دارد. هدایت ظاهری برای پیامبر و عموم علماء نیز وجود دارد؛ پس هدایت خاص ائمه همان هدایت تکوینی پاداشی است که از ولایت عام ایشان نشئت می گیرد.

۶. وجه برتری هدایت ویژه امام

دیدگاه آیت الله جوادی آملی به تبع نظریه علامه طباطبائی، نظریه بدیعی است که از حیث روشی، راهبردی و محتوایی به دلایلی بر دیگر رویکردها و اقوال برتری دارد که به آن اشاره می شود.

۱-۶. روشی

برخی از نویسندگان، دیدگاه آیت الله جوادی آملی را متأثر از مبانی عرفانی و فلسفی (غلامی، ۱۳۸۶: ص ۱۱۵) صوفیه و عرفای اهل سنت (سند، ۱۴۲۷: ج ۲، ص ۴۷۹) می دانند؛ درحالی که با بررسی ادله و نحوه استدلال می توان به یقین رسید که دیدگاه آیت الله جوادی آملی از روش تفسیر قرآن به قرآن به دست آمده است. بر اساس این روش هر آیه از قرآن کریم با تدبر در سایر آیات قرآنی و بهره گیری از آنها باز و شکوفا می شود (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ج ۱، ص ۶۱)؛ از این جهت جنبه جدلی و تحمیل دیدگاه کلامی در آن وجود ندارد. قرآن برهان محض است و آیت الله جوادی آملی نیز از همین روش بهره برده است، نه جدلی و اقناعی. ایشان در روش استدلال خویش آیه ۱۲۴ سوره بقره را با آیه ۷۳ سوره انبیا تفسیر می کند و نظر قرآن در مورد حقیقت امامت را کشف می کند.

این روش در ضمن روایتی از امام رضا (علیه السلام) بیان شده است که حضرت می فرماید: آیا اینان قدر و منزلت امامت را می شناسند که توانایی انتخاب امام را داشته و انتخاب آنها درست باشد؟ همانا امامت از حیث عمق و عظمت بسیار بالاتر از آن است که مردم با عقل و انتخاب خود به آن برسند. همانا امامت منزلتی است که خداوند به حضرت ابراهیم (علیه السلام) بعد از نبوت و خلّت عطا کرد؛ پس وقتی حضرت ابراهیم (علیه السلام) مژده این مقام بزرگ را دریافت کرد و خوشحال شد و آن را برای ذریه خویش نیز درخواست کرد، خداوند متعال همان امامت را تنها برای ذریه معصوم ایشان ثابت دانست و این امامت را از ظالمان منتفی دانست؛ بنابراین این آیه تا روز قیامت، امامت هر ظالمی را باطل می شمارد. از این رو امامت به عنوان عهدی الهی همیشه در میان برگزیدگان الهی قرار خواهد داشت. بنابراین خداوند با قرارداد این امامت در ذریه پاک و برگزیده حضرت ابراهیم (علیه السلام)،

او را اکرام نمود، پس فرمود: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۰۰؛ صدوق، ۱۴۰۳: ص ۹۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۵، ص ۱۲۱). این روایت نشان از اتقان نظریه دارد. در مقابل این دیدگاه، نظریه‌هایی وجود دارد که مهم‌ترین مؤید ایشان روایات است (علیانسب و قائمی امیری، ۱۴۰۱: ص ۲۱۰) که از این جهت مورد نقد قرار می‌گیرد.

نظریه آیت الله جوادی به جهت استفاده از روش قرآن به قرآن، قابلیت تحلیل و استدلال برای همه فرق اسلامی را دارد؛ همان‌طور که همین روش توسط برخی نویسندگان در پاسخ به اشکال‌های القفاری در باب امامت استفاده شده است (حسینی قزوینی، ۱۴۳۴: ج ۱، ص ۲۵۲-۲۵۴).

۶-۲. راهبردی

پرداختن به حقیقت امامت به معنای هدایت تکوینی، اساس اختلاف‌های موجود در امامت را برطرف می‌کند. بنابراین این دیدگاه از حیث راهبردی، بر نظریه‌های دیگر مقدم است؛ چراکه منطقاً تصور، مقدم بر تصدیق است و تصور درستی در مورد امامت، باعث تصدیقی درست خواهد شد (یزدی مطلق، ۱۳۸۱: ۳۵)؛ به این جهت بررسی مسئله امامت که ریشه بسیاری از مسائل اختلافی دیگر است. همچنین یافتن چیستی و تعریف امامت را نخستین مسئله امامت دانسته‌اند که دیگر مباحث بر آن استوار است (همان: ص ۲۷).

گذشته از این پرداختن به چیستی و حقیقت امامت، در واقع سیر از حقیقت امامت به سمت دیگر شئون را فراهم می‌کند که سیر منطقی بحث است؛ یعنی ابتدا باید حقیقت مشخص شود، سپس دیگر شئون نسبت به آن سنجیده می‌شوند؛ همان‌طور که علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره، ابتدا حقیقت امامت را اثبات می‌کنند، سپس دیگر مسائل امامت را از آن استخراج می‌کنند. همچنین این دیدگاه جامع بین نظریه‌های امامت شیعه و تفکیک شئون از حقیقت را در بردارد.

۳-۶. محتوایی

محتوای دیدگاه آیت الله جوادی در مسئله حقیقت امامت با عمق معنی امامت در اندیشه شیعه ارتباط دارد. هدایت ایصالی امام به مطلوب، حقیقتی از امامت را ثابت می کند که برای همیشه تاریخ مستمر است و در زمان غیبت نیز پاسخگوی مسئله ضرورت امام و توجیه گر لزوم وجود امام با غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. براساس این دیدگاه، امامت حقیقتی مستمر و همیشگی است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۲۷۵)؛ به این معنا که با پذیرش این نظریه در مورد امامت، امام کسی است که هدایت باطنی انسان ها را بر عهده دارد؛ از این رو تفاوتی بین زمان ظهور یا غیبت ایشان وجود ندارد (برنجکار و شاکر، ۱۳۹۳: ص ۷۸). بنابراین امام در هر زمانی حضور دارد؛ گرچه ظهور نداشته باشد (سند، ۱۴۲۶، ص ۲۵۱) و در زمان غیبت امام نیز عالم از وجود پربرکت امام بهره مند است. ایشان حجت خدا روی زمین است و هادی ایصال به مطلوب مردم و شاهد بر اعمال آنان است (صدقی الانق، ۱۳۹۷: ص ۱۱۰).

از جمله آیاتی که دلالت بر استمرار حقیقت امامت دارد آیه ۱۲۴ بقره است؛ زیرا در این آیه خداوند متعال امامت را از ذریه ظالم ابراهیم علیه السلام نفی می کند. در آیه دیگری می فرماید: «وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ» (صافات: ۱۱۳) که تصریح می شود ذریه ایشان دو نوع هستند، برخی ظالم و برخی محسن اند. نفی مقام امامت از ظالمان، مستلزم وجود آن در ذریه پاک و معصوم ایشان است. با توجه به تفسیر مذکور در «لَا يَنْتَهِ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره: ۱۲۴) اگر عهد به محسنان هم نرسد، تقسیم مزبور در آیه و تفسیر ویژه در آیه ۱۲۴ لغو خواهد شد و چون کلام خداوند متعال از لغو منزه است، پس عهد امامت به همه ذریه معصوم حضرت ابراهیم علیه السلام خواهد رسید (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ج ۶، ص ۴۷۹).

نکته قابل اهمیت در این استدلال قرآنی تأیید آن به وسیله روایاتی است که دلالت می کند وجود محسن از ذریه ابراهیم علیه السلام همیشگی است؛ چنان که فرمود: «زمین هیچ گاه از حجت خالی

نمی شود، وگرنه اهلش را فرو می برد» (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۴۸۸؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۷۹؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ج ۱، ص ۱۳۸؛ صدوق، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۱۹۶). پس امکان ندارد عصری از امام خالی باشد و در نتیجه، نقضی به این استدلال قرآنی به سبب امکان سالبه به انتفای موضوع بودن؛ یعنی نبود محسن در عصری، وارد نمی شود. همچنین آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه: ۱۹۹) بر استمرار امامت تا روز قیامت دلالت دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۶، ص ۱۶۶). آیه «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» (اسراء: ۷۱) نیز بر استمرار امامت دلالت دارد؛ زیرا بر اساس این آیه هر فردی و هر زمانی دارای امام است؛ پس زمین هیچ گاه از امام حق خالی نخواهد بود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۲۷۳ و ۲۷۵؛ همان: ج ۱۳، ص ۱۶۵).

روایات فراوانی بر استمرار امامت دلالت دارد. در برخی از آنها برای اثبات استمرار امامت در هر زمانی به آیات تمسک شده است؛ از جمله آنها روایت امام رضا علیه السلام است که فرمود:

«امامت مخصوص آن حضرت (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) گشت و او به فرمان خدای تعالی و طبق آنچه خدا واجب ساخته بود، آن را به امام علی علیه السلام واگذار نمود و سپس در میان فرزندان برگزیده او که خدا به ایشان علم و ایمان داده، جاری گشت و خداوند متعال در این زمینه فرموده است: «کسانی که علم و ایمان به آنان داده شده می گویند: شما به فرمان خدا تا روز قیامت درنگ کردید» (روم: ۵۶)، پس امامت تنها در میان فرزندان علی علیه السلام است تا روز قیامت؛ زیرا پس از محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبری نیست. این نادانان از کجا و به چه دلیل برای خود امام انتخاب می کنند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ص ۲۰۰).

امامت بر اساس این روایت تا قیامت در فرزندان امام علی علیه السلام است؛ همچنین روایات معروف و مشهور ثقلین که حداقل هفت مرتبه در مکان های مختلف از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صادر شده است (محمّدی ری شهری، ۱۳۹۳: ج ۱، ص ۲۷۵-۲۹۳) که بر اساس این روایت حضرت فرمود: «من میان شما دو یادگار به امانت می گذارم، کتابم و عترتم، اهل بیتم، این دو هیچ گاه از هم جدا نمی شوند تا در

کنار حوض بر من وارد شوند» (مسلم، ۱۴۱۲: ج ۴، ص ۱۸۷۴؛ نسائی، ۱۴۱۱: ج ۵، ص ۴۵؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶: ج ۱۷، ص ۱۷۰؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۹۴؛ صدوق، ۱۴۰۳: ص ۹۰). از حدیث ثقلین استفاده می‌شود همواره شخصی از اهل بیت علیهم‌السلام در کنار قرآن وجود دارد و این دو امر گرانسنگ، تا روز قیامت از هم جدا نمی‌شوند. به نظر می‌رسد با نگاه مجموعی به آیه ۱۲۴ بقره و این روایات به این نتیجه می‌توان رسید که مراد از امام در هر زمانی شخص برگزیده از اهل بیت علیهم‌السلام است که دارای مقام امامت ابراهیمی است. نکته قابل توجه اینکه با این بیان مراد از عبارت «وُجُودُهُ لُطْفٌ وَنَصْرُهُ لُطْفٌ آخِرٌ وَعَدَمُهُ مِتًّا» که برخی اندیشمندان در مورد امام بیان می‌کنند (خواجه طوسی، ۱۴۰۷: ص ۲۲۱؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۵: ص ۳۳۲) مشخص می‌شود که عدم تصرف ظاهری امام به خاطر کم‌کاری خود مکلفان است؛ زیرا تصرف باطنی امام همیشگی است و چه بسا به خاطر این تصرف همیشگی و مستمر امام در هر زمانی برخی روایات، وجه انتفاع از امام غائب را به افتاب در پشت پرده غیبت معرفی کردند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۸۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲: ص ۹۲). این موارد وجه برتری این قول بر دیگر دیدگاه‌ها را تقویت می‌کند.

۷. نتیجه‌گیری

امامت مقام و منصبی الهی است که به بندگان خاص خود عطا می‌کند. رسیدن حضرت ابراهیم علیه‌السلام به این جایگاه رفیع در آیه ۱۲۴ سوره بقره بیان شده است و از این رو مفسران، بیشتر مباحث امامت را ذیل همین آیه مطرح می‌کنند. کشف حقیقت امامت (به معنای ملاک و ماهیتی که با صرف نظر از شئون دیگر امام، اگر در کسی وجود داشته باشد، برای او نیز امامت در عالم واقع محقق است) از مباحث مهم و اثرگذار بر دیگر مسائل امامت از جمله احکام، شرایط، شئون و جایگاه است. حقیقت امامت از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی با نگاه مجموعی به آیات و تفسیر قرآن به قرآن، هدایت تکوینی پاداشی است که با تفسیر آیه ۱۲۴ سوره بقره با آیه ۷۳ انبیا و ۲۴ سجده کشف

می‌شود. به عبارت دیگر «يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» یعنی هادی به امر الهی به عنوان تعریف و تفسیر امام بیان شده است که همان حقیقت امامت است.

قرآن وصف هدایت به همراهی و ملابست امر الهی را حقیقت امامت حضرت ابراهیمی معرفی می‌کند؛ پس این هدایت تنها ارائه طریق یعنی آموزش معارف دینی و نشان دادن راه نیست و به عبارت دیگر هدایت تشریعی نیست؛ بلکه هدایت از صنف هدایت تکوینی و تصرف در دل‌ها است. امام، کسی که عالم ملکوت نزد او منکشف است، با دانستن ملکوت و باطن عالم، هر کس را طبق استعداد خودش به کمال مطلوب می‌رساند. این نوع تصرف در نفوس انسان‌ها و سیردادن آنها به سوی کمال و دست‌گیری قدم به قدم از عبد سالک و رساندن او به مقصود را «ایصال به مطلوب» می‌نامند که همان هدایت تکوینی پاداشی است و نصیب کسانی می‌شود که با حُسن اختیار خود، هدایت ابتدایی تشریعی خداوند و حق را بپذیرند و به آن عمل کنند و در نتیجه خداوند متعال به ایشان توفیقی می‌دهد تا بقیه راه را به آسانی بپیمایند. این نوع هدایت به نوعی نحوه هدایت‌گری خداوند را تبیین می‌کند و همچنین با ولایت تکوینی رابطه دارد. قابل ذکر است این نظریه از حیث روشی، راهبردی و محتوایی بر نظریه‌های دیگر در حقیقت امامت برتر است.

منابع

قرآن کریم.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، قم: بی‌نا.

ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱، بیروت: مؤسسة الرسالة.

اسعدی، محمد (۱۴۰۰ش)، «هدایت به امر در نظریه قرآنی امامت؛ تحلیل و بررسی دیدگاه علامه

طباطبایی»، تفسیر و علوم قرآنی، ش ۱، ص ۲۳-۴۰.

کمپانی اصفهانی، محمد حسین (۱۴۱۸ق)، حاشیه کتاب المکاسب، ج ۱، قم: أنوار الهدی.

آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، چ ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

برسی، رجب (۱۴۲۲ق)، مشارق أنوار الیقین فی أسرار أميرالمؤمنین عليه السلام، چ ۱، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

برنجکار، رضا؛ شاکر، محمدتقی (۱۳۹۳ش)، «نقش امام غایب در هدایت و مبانی آن»، مشرق موعود، ش ۳۰، ص ۵۵-۸۱.

جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق)، أحكام القرآن، چ ۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۵ش)، معارف کلامی شیعه کلیات امامت، چ ۲، قم: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، دانشگاه ادیان و مذاهب.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳ش)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۲ (توحید در قرآن)، چ ۱، قم: مرکز نشر اسراء. _____ (۱۳۸۸ش)، امام مهدی موجود موعود، چ ۵، قم: مرکز نشر اسراء.

_____ (۱۳۸۹ش)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱۶ (هدایت در قرآن)، چ ۴، قم: مرکز نشر اسراء. _____ (۱۳۹۹ش)، تسنیم، چ ۳، قم: مرکز نشر اسراء.

_____ (۱۴۰۱ش)، ادب فنای مقربان، چ ۲، قم: مرکز نشر اسراء.

حسینی قزوینی، سیدمحمد (۱۴۳۴ق)، نقد کتاب اصول مذهب شیعه، چ ۱، قم: مؤسسه ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

خان صنمی، شعبانعلی؛ خان صنمی، فاطمه (۱۳۹۳ش)، «تحلیل مفهوم امامت در آیه ابتلی از دیدگاه علامه طباطبایی»، مطالعات تفسیری، ش ۱۹، ص ۸۷-۱۱۰.

خمینی، روح الله (بی تا)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی - ویرایش جدید)، چ ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله.

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳ش)، دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، چ ۱، قم: دار الحدیث.

تحلیل هدایت ویژه امام بر اساس آیه ابتلاء (بقره: ۱۲۴) از دیدگاه آیت الله جوادی آملی / ۲۸۳

سبحانی، جعفر (۱۳۹۰ش) منشور جاوید، چ ۱، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.

_____ (۱۴۲۱ق)، مفاهیم القرآن، چ ۴، قم: مؤسسه امام الصادق علیه السلام.

سند، محمد (۱۴۲۶ق)، أسس النظام السياسي عند الإمامية، مقرر محمد حسن الرضوي، مصطفى الإسكندري، چ ۱، قم: مدين.

_____ (۱۴۲۷ق)، الإمامة الهية، مقرر صادق صاعدی، چ ۱، قم: منشورات اجتهاد.

شوشتری، نورالله (۱۴۰۹ق)، إحقاق الحق وإزهاق الباطل، چ ۱، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

شهرستانی، محمد بن عبد الكريم (۱۳۶۴ش)، الملل والنحل، چ ۳، قم: الشریف الرضی.

صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۹۱ش)، سلسله مباحث امامت و مهدویت، چ ۵، قم: آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی.

صدقی الانق، محمد (۱۳۹۷ش)، «حقیقت امامت و فلسفه حضور ابدی معصوم علیه السلام از منظر قرآن با تأکید بر آراء علامه طباطبایی»، پژوهش های اعتقادی-کلامی، ش ۳۰، ص ۹۳-۱۱۶.

صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵ش)، علل الشرائع، چ ۱، قم: کتابفروشی داوری.

_____ (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمة، چ ۲، تهران: اسلامیه.

_____ (۱۴۰۳ق)، معاني الأخبار، چ ۱، قم: جامعه مدرسین.

صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد علیه السلام، تحقیق میرزا محسن کوچه باغی، چ ۲، قم: مکتبه مرعشی نجفی.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۸ش)، شیعه در اسلام، چ ۱۳، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی.

_____ (۱۳۸۷ش)، شیعه: مجموعه مذاکرات با پرفسور هانری کربن (خسروشاهی)، چ ۱، قم:

بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).

_____ (۱۳۸۸ش)، بررسی های اسلامی، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، چ ۲، قم:

بوستان کتاب.

- _____ (۱۳۹۰ق)، المیزان في تفسير القرآن، چ ۲، بیروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان في تفسير القرآن، چ ۳، تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان في تفسير القرآن، چ ۱، بیروت: دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن الحسن (بی تا)، التبیان في تفسير القرآن، چ ۱، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- طوسی، محمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، تجرید الاعتقاد، چ ۱، تهران: مکتب الإعلام الإسلامي.
- علیاناسب، سید ضیاء الدین؛ قائمی امیری، زهرا (۱۴۰۱ش)، «بررسی و نقد دیدگاه سید محمد حسین فضل الله در معنای امامت
- ذیل آیه ابتلا (بقره: ۱۲۴)»، شیعه پژوهی، سال نهم، ش ۲۳، ص ۲۰۹-۲۳۳.
- غلامی، اصغر (۱۳۸۶ش)، «مفهوم امامت در پرتو آیه ابتلا حضرت ابراهیم عليه السلام»، سفینه، شماره ۱۷، ص ۱۱۵-۱۳۹.
- فاریاب، محمد حسین (۱۳۹۱ش)، معنا و چیستی امامت در قرآن، سنت و آثار متکلمان، چ ۱، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبد الله (۱۴۰۵ق)، إرشاد الطالبین إلى نهج المسترشدين، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، چ ۳، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰م)، معانی القرآن، چ ۲، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- فرمانیان، مهدی؛ رحیمی، جعفر (۱۳۹۵ش)، «اندیشه عالمان بغداد در مسئله ولایت تکوینی»، نقد و نظر، ش ۸۲، ص ۹۵-۱۱۵.
- فیضی، ابوالفیض (۱۴۱۷ق)، سواطع الإلهام في تفسير كلام الملك العلام، چ ۱، قم: مؤسسه المنار.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، الجامع لأحكام القرآن، چ ۱، تهران: ناصر خسرو.
- قشیری، عبد الکریم بن هوازن (۲۰۰۰م)، لطائف الإشارات: تفسير صوفي كامل للقرآن الکریم، چ ۳، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

کربلائی پازوکی، علی (۱۳۹۳ش)، «هدایت باطنی و معنوی امام و مسئله امامت در اندیشه علامه طباطبایی و تفسیر المیزان»، پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره ۵، ش ۱۶، ص ۷۷-۹۲.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، چ ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
کاشانی، فتح الله بن شکر الله، (۱۴۲۳ق)، زبدة التفاسیر، چ ۱، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
گنابادی، سلطان محمد (۱۴۰۸ق)، بیان السعادة في مقامات العبادة، چ ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

لاهیجی، عبدالرزاق (۱۳۸۳ش)، گوهر مراد، چ ۱، تهران: بی نا.
مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
مسلم بن حجاج، ابو الحسین (۱۴۱۲ق)، صحیح مسلم، چ ۱، قاهره: دار الحديث.
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹ش)، راهنماشناسی، چ ۷، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۲ش)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، چ ۸، قم: صدرا.
مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، أوائل المقالات في المذاهب والمختارات، چ ۱، قم: المؤتمر العالمي للشيخ المفید.

نجارزادگان، فتح الله (۱۳۹۰ش)، «بررسی معناشناسی واژه امام در آیه امامت حضرت ابراهیم عليه السلام» (بقره: ۱۲۴)، کتاب قیم، سال اول، ش ۲، ص ۷-۲۹.

_____ (۱۳۹۱ش)، بررسی تطبیقی معناشناسی امام و مقام امامت از دیدگاه مفسران فریقین، چ ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

نسائی، احمد بن علی بن شعیب (۱۴۱۱ق)، السنن، چ ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ش)، الغیبه، چ ۱، تهران: مکتبه الصدوق.
نیلی، علی بن عبد الکریم (۱۴۲۶ق)، سرور أهل الإيمان في علامات ظهور صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، چ ۱، قم: بی نا.

هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق)، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، چ ۱، قم: بی‌نا.
یزدی مطلق، محمود و همکاران (۱۳۸۱ش)، امامت‌پژوهی (بررسی دیدگاه‌های امامیه، معتزله و اشاعره)، چ ۱، مشهد: بی‌نا.

References

The Noble Quran.

A group of authors. 1395 Sh. *Shiite theological teachings: outlines of imamate*. Qom: SAMT and University of Religions and Denominations.

Ālūsī, Maḥmūd ibn ‘Abd Allāh al-. 1415 AH. *Rūḥ al-Ma‘ānī fī Tafsīr al-Qur’ān al-‘Azīm wa al-Sab‘ al-Mathānī*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyah, Manshūrāt Muḥammad ‘Alī Bayḍūn.

As’adi, Mohammad. 1400 Sh. “Guidnce by command in the Quranic theory of Imamate: an analysis and examination of ‘Allāmah Ṭabāṭabā’ī’s view.” *Tafsīr wa ‘Ulūm-i Qur’ānī*, no. 1: 23–40.

Berenjkar, Reza and Mohammad Taghi Shaker. 1393 Sh. “The role of the absent Imam in guidance, and its principles.” *Mashriq-i maw‘ūd*, no. 30: 55-81.

Bursī, Rajab. 1422 AH. *Mashāriq Anwār al-Yaqīn fī Asrār Amīr al-Mu‘minīn*. Vol. 1. Beirut: Mu’assasat al-A‘lamī lil-Maṭbū‘āt.

Fāḍil al-Miqdād, Miqdād b. ‘Abd Allāh al-. 1405 AH. *Irshād al-ṭālibīn ilā nahj al-mustarshidīn*. Qom: Library of Ayatollah Mar’ashi.

Fakhr al-Rāzī, Muḥammad b. ‘Umar. 1420 AH. *Al-Tafsīr al-kabīr: maḥfūṭ al-ghayb*. Beirut: Dār Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī.

Farmanian, Mahdī and Jafar Rahimi. 1395 Sh. “The view of Baghdad scholars regarding the problem of existential guardianship.” *Naqd va nazar*, no. 82: 95-115.

Farrā’, Yaḥyā b. Ziyād. 1980. *Ma‘ānī al-Qur’ān*. Cairo: al-Hay’at al-Miṣriyyat al-‘Āmma li-l-Kitāb.

Faryab, Mohammad Hossein. 1391 Sh. *Ma’nā va chīstī-yi Imāmat dar Qur’ān, sunnat va āthār-i mutakallimān*. Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute.

- Fayḍī, Abū al-Fayḍ. 1417 AH. *Sawāṭi 'al-ilhām fī tafsīr kalām al-malik al-'allām*. Qom: al-Manar Institute.
- Gholami, Asghar. 1386 Sh. "The concept of imamate in light of the verse of Abraham's trial." *Safīna*, no. 17: 115-39.
- Gunābādī, Sulṭān Muḥammad. 1408 AH. *Bayān al-Sa'ādah fī Maqāmāt al-'Ibādah*. Vol. 2. Beirut: Mu'assasat al-'Alamī lil-Maṭbū'āt.
- Hilālī, Salīm ibn Qays. 1405 AH. *Kitāb Salīm ibn Qays al-Hilālī*. Qom: n.p.
- Hosseini Ghazvini, Seyed Mohammad. 1434 AH. *Naqd-i kitāb-i uṣūl-i madhhab-i Shī'a*. Qom: Vali Asr Institute.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad b. 'Alī. 1413 AH. *Man lā-yahḍuruh al-faqīh*. Qom: n.p.
- Ibn Ḥanbal, Aḥmad ibn Muḥammad. 1416 AH. *Musnad al-Imām Aḥmad ibn Ḥanbal*. Beirut: Mu'assasat al-Risālah.
- Jaṣṣās, Aḥmad b. 'Alī. 1405 AH. *Aḥkām al-Qur'ān*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Javadi Amoli, Abdollah. 1383 Sh. *Tafsīr-i mawḍū' ī-yi Qur'ān-i karīm: tawḥīd dar Qur'ān*. Vol. 2. Qom: Esra Publishing Center.
- Javadi Amoli, Abdollah. 1388 Sh. *Imam Mahdī mawjūd-i maw'ūd*. Qom: Esra Publishing Center.
- Javadi Amoli, Abdollah. 1389 Sh. *Tafsīr-i mawḍū' ī-yi Qur'ān-i karīm: hidāyat dar Qur'ān*. Vol. 16. Qom: Esra Publishing Center.
- Javadi Amoli, Abdollah. 1399 Sh. *Tasnīm*. Qom: Esra Publishing Center.
- Javadi Amoli, Abdollah. 1401 Sh. *Adab-i fanāyi muqarrabān*. Qom: Esra Publishing Center.
- Karbalaee Pazooki, Ali. 1393 Sh. "Inner and spiritual guidance of the Imam and the problem of imamate according to 'Allāma Ṭabāṭabā'ī and *al-Mīzān* exegesis." *Pazhūhishnāmih-yi ma'ārif-i Qur'ānī* 5, no. 16: 77-92.
- Kāshānī, Faṭḥ Allāh ibn Shukr Allāh al-. 1423 AH. *Zubdat al-Tafsīr*. Qom: Mu'assasat al-Ma'ārif al-Islāmīyah.
- Khan Sanami, Shabanali and Fatemeh Khan Sanami. 1393 Sh. "An analysis of the concept of imamate in the verse of trial from the perspective of Allāma Ṭabāṭabā'ī." *Muṭālī'āt-i tafsīrī*, no. 19: 87-110.

- Khomeini, Ruhollah. n.d. *Vilāyat-i faqīh: hukūmat-i Islāmī*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Kulaynī, Muḥammad ibn Ya'qūb al-. 1407 AH. *Al-Kāfī*. Vol. 4. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
- Kumpānī Iṣfahānī, Muḥammad Ḥusayn. 1418 AH. *Hāshiyat Kitāb al-Makāsib*. Qom: Anwār al-Hudā.
- Lāhijī, 'Abd al-Razzāq al-. 1383 Sh. *Gawhar-i Murād*. Tehran: n.p.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir al-. 1403 AH. *Biḥār al-Anwār*. Vol. 2. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi. 1389 Sh. *Rāhnamāshināsī*. Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute.
- Mohammadi Reyshahri, Mohammad. 1393 Sh. *Dānishnāmih-yi Imam Mahdī bar pāyih-yi Qur'ān, ḥadīth va tārikh*. Qom: Dār al-Ḥadīth.
- Motahari, Morteza. 1372 Sh. *Collected works of Shahid Motahari*. Qom: Sadra.
- Mufīd, Muḥammad ibn Muḥammad. 1413 AH. *Awā'il al-Maqālāt fī al-Madhāhib wa al-Mukhtārāt*. Qom: al-Mu'tam al-ar al-'Ālamī li al-Shaykh al-Mufīd.
- Muslim ibn al-Ḥajjāj, Abū al-Ḥusayn. 1412 AH. *Ṣaḥīḥ Muslim*. Cairo: Dār al-Ḥadīth.
- Najjarzadegan, Fathollah. 1390 Sh. "An examination of the meaning of the term Imam in the verse of Abraham's imamate (al-Baqara: 124)." *Kitāb qayyim* 1, no. 2: 7-29.
- Najjarzadegan, Fathollah. 1391 Sh. *A comparative study of the meaning of Imam and the position of imamate from the perspective of both Shiite and Sunni exegetes of the Quran*. Qom: Research Institute of Hawzeh and University.
- Nasā'ī, Aḥmad ibn 'Alī ibn Shu'ayb. 1411 AH. *Al-Sunan*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah, Manshūrāt Muḥammad 'Alī Bayḍūn.
- Nīlī, 'Alī ibn 'Abd al-Karīm. 1426 AH. *Surūr Ahl al-Īmān fī 'Ālāmāt Zuhūr Ṣāḥib al-Zamān*. Qom: n.p.
- Nu'mānī, Muḥammad ibn Ibrāhīm. 1397 Sh. *Al-Ghayba*. Tehran: Maktabat al-Ṣadūq.
- Olyanasab, Seyed Ziaoddin and Zahra Ghaemi Amiri. 1401 Sh. "An examination of critique of Sayyid Muhammad Hussain Fadlalah's view of the meaning of imamate regarding the verse of trial (al-Baqara: 124)." *Shī'a-pazhūhī* 9, no. 23: 209-33.

- Qurtubī, Muḥammad ibn Aḥmad al-. 1364 SH. *Al-Jāmi' li-Aḥkām al-Qur'ān*. Tehran: Nāṣir Khusraw.
- Qushayrī, 'Abd al-Karīm ibn Hawāzin al-. 2000. *Laṭā'if al-Ishārāt: Tafṣīr Ṣūfī Kāmil lil-Qur'ān al-Karīm*. Vol. 3. Cairo: al-Hay'ah al-Miṣrīyah al-Āmmah lil-Kitāb.
- Ṣadūq, Muḥammad b. 'Alī al-. 1385 Sh. *Ilal al-sharā'i*. Qom: Davari Bookstore.
- Ṣadūq, Muḥammad b. 'Alī al-. 1395 AH. *Kamāl al-dīn wa-tamām al-ni'ma*. Tehran: Islāmiyya.
- Ṣadūq, Muḥammad b. 'Alī al-. 1403 AH. *Ma'ānī al-akhbār*. Qom: Society of Seminary Teachers.
- Ṣaffār, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1404 AH. *Baṣā'ir al-darajāt fī faḍā'il Āl Muḥammad*. Edited by Mirza Mohsen Koochebaghi. Qom: Library of Ayatollah Mar'ashi Najafi.
- Safi Golpayegani, Lotfollah. 1391 Sh. *Silsilah mabāḥith-i imāmat va mahdaviyat*. Qom: Works of Grand Ayatollah Safi Golpayegani.
- Sanad, Mohammad. 1427 AH. *Al-Imāmat al-ilāhiyya*. Edited by Sadegh Saedi. Qom: Ijtihad.
- Sanad, Muhammad. 1426 AH. *Usus al-niẓām al-siyāsī 'ind al-Imāmiyya*. Edited by Mohammad Hasan Razavi and Mostafa Eskandari. Qom: Madyan.
- Sedghi Alanaq, Mohammad. 1397 Sh. "The nature of Imamate and the rationale behind the Infallible's eternal presence from the perspective of the Quran with a focus on 'Allāma Ṭabāṭabā'i's views." *Pazhūhish-hāyi i 'tiqādī-kalāmī*, no. 30: 93-116.
- Shahrastānī, Muḥammad b. 'Abd al-Karīm. 1364 Sh. *Al-Milal wa-l-niḥal*. Qom: al-Sharīf al-Raḍī.
- Shūshṭarī, Nūr Allāh al-. 1409 AH. *Iḥqāq al-ḥaqq wa-izhāq al-bāṭil*. Qom: Library of Ayatollah Mar'ashi Najafi.
- Sobhani, Jafar. 1390 Sh. *Manshūr-i jāvid*. Qom: Imam Sadiq Institute.
- Sobhani, Jafar. 1421 AH. *Maḥāhīm al-Qur'ān*. Qom: Imam Sadiq Institute.
- Ṭabarāsī, Faḍl ibn Ḥasan al-. 1372 Sh. *Majma' al-Bayān fī Tafṣīr al-Qur'ān*. Vol. 3. Tehran: Nāṣir Khusraw.
- Ṭabarī, Muḥammad ibn Jarīr al-. 1412 AH. *Jāmi' al-Bayān fī Tafṣīr al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-Ma'rifah.
- Ṭabāṭabā'i, Muḥammad Ḥusayn. 1378 Sh. *Shī'a dar Islam*. Qom: Society of Seminary Teachers.

- Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad Ḥusayn. 1387 Sh. *Shī'a: majmū'a mudhākirāt bā Professor Henry Corbin*. Edited by Khosroshahi. Qom: Boostan-e Ketab.
- Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad Ḥusayn. 1388 Sh. *Barrasī-hāyi Islāmī*. Edited by Seyed Hadi Khosroshahi. Qom: Boostan-e Ketab.
- Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad Ḥusayn. 1390 AH. *Al-Mīzān fī tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Mu'assasat al-A'lamī li-l-Maṭbū'āt.
- Ṭūsī, Muḥammad ibn al-Ḥasan al-. n.d. *Al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Ṭūsī, Muḥammad ibn Muḥammad al-. 1407 AH. *Tajrīd al-I'tiqād*. Tehran: Maktab al-I'lām al-Islāmī.
- Yazdī Motlagh, Mahmoud (ed.). 1381 Sh. *Imamate studies: a study of Imami, Mu'tazilite, and Ash'arite views*. Mashhad: n.p.